

دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

عنوان پایان نامه

آسیب شناسی اصلاحات در عصر ناصری

نگارش

سمیه سهراب زاده فرد

استاد راهنما

جناب آقای دکتر مهدی صلاح

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محسن رحمتی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ

شهریور ماه ۸۹

چکیده

قرن نوزدهم بدلیل رویارویی جدی ایران با غرب که منجر به انجام اصلاحات گردید، از اهمیتی مضاعف برخوردار است اصلاحات در زمان قاجار در دو دوره انجام می شود: ابتدا توسط دولتمردان تا پایان عصر ناصری (اصلاح از بالا) و سپس در مرحله ی بعد و بدنبال نارضایتی از وضعیت موجود که نتیجه ی ناکامی در انجام اصلاحات یاد شده بود با مشارکت گسترده ی توده ی مردم به انقلاب مشروطه منجر شد و تغییراتی در نظام سیاسی، اقتصادی، و حتی فرهنگی اجتماعی ایران بوجود آورد. ظهور مردانی کارآمد در عرصه ی وزارت ایران دوره ی ناصری که با اشراف بر تحولات دنیای آن روز و با درک مشکلات پیش روی جامعه ی ایران به اصلاحات در ابعادی گسترده دست زدند، این دوره را حائز اهمیت می سازد. در این میان، اصلاحات بخصوص توسط دو چهره ی بارز این عصر امیرکبیر (باتکیه بر اصلاحات بومی و درون زا) و سپهسالار (باتاکید بر اصلاحات برون زا و تکیه بر عنصر خارجی) باشکست مواجه شد، روابط گسترده با کشورهای غربی نتیجه ی مورد نظر دولتمردان ایرانی را به همراه نداشت و علت آن توافق این کشورها (روسیه و انگلیس) برای ممانعت در اصلاحاتی بود که منافع آنان را تامین نمی کرد. اما با این وجود علت اصلی شکست اصلاحات را باید در عدم تطابق ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی در ایران با جریان اصلاحات دانست.

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱ بیان مساله واهمیت آن:

آسیب شناسی pathology واژه ای است که از علوم پزشکی به معنای مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی وارد علوم اجتماعی شده است واژه ی اصلاح را در مقابل افساد و به معنای سامان بخشی به وضع موجود برای تبدیل آن به وضع مطلوب دانسته اند برخی نیز آن را در مقابل انقلاب revolution و به معنای reform تغییرات رو بنایی و محدود و سطحی یا اصلاح روندها تلقی نموده اند جریان اصلاحات و اقتباس از غرب به طور پراکنده از دوران شاه اسماعیل و شاعباس صفوی آغاز شد ولی دوره عظیم روی آوردن به غرب جهت اخذ تکنولوژی آن پس از شکستهای پی در پی قاجار از روسیه بود. به طور کلی اصلاحات در ایران معاصر به دو گونه ی اصلاحات درون حکومتی و اصلاحات برون حکومتی تقسیم شده است و اصلاحات نوع اول توسط افرادی چون عباس میرزا به شکل اصلاح طلبانه رفرمیستی انجام گرفت اصلاحگران درون حکومتی با قبول شالوده ی نظام سیاسی دست به اصلاح زدند اصلاحات عباس میرزا بیشتر جنبه ی نظامی داشت.

در دوره ی ناصر الدین شاه در چند نوبت تلاشهای برای اصلاح انجام گرفت اما هر به این دلیل که اصلاحات منافع طبقه ای حاکم و بخصوص شاه را در خطر قرار می داد متوقف شد و مردان اصلاح طلب جای خود را به درباریان متملق و چاپلوس دادند برای اصلاحات عصر ناصری با عنایت به دو چهره ی اصلاحگر دو وجهه می توان قائل شد اصلاحات امیر کبیر بیشتر بر دستاوردهای مادی و تکنولوژی تمدن غرب پیوند داشت و سپهسالار با عنایت بر بعد مادی به مبانی فکری تمدن جدید نیز توجه می کرد هر دو اصلاحگر با مخالفتهای گسترده برای پیشبرد اهدافشان مواجه شدند.

این رساله در پی آن است تا علل ناکار آمدی اصلاحات و توقف روند آن را روشن نماید.

۲-۱ تعریف مفاهیم تحقیق :

۱- **آسیب شناسی:** واژه ای که از علوم ریستی و پزشکی از قرن نوزدهم برای بیان فرآیندهای اجتماعی (social process) وارد علوم اجتماعی و اخیرا تاریخ شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماریهای و انحرافات اجتماعی قائل می شوند .

۲- **اصلاح:** کلمه ی اصلاح مصدر عربی و مفرد واژه ی اصلاحات می باشد و برای آن معانی متعددی ذکر شده مانند التیام دادن ، به سامان آوردن ، دور کردن تباهی ، رفع عیب ، فساد چیزی وصلاح آوردن نیک و بهتر و استوار کردن ، ضد افساد و ... اشاره کرد .

۳- **سکولاریسم:** به معنای غیر دینی کردن امور یا حاکم کردن نظام قوانین و ارزش ها و مقررات اجتماعی غیر دینی به جای نظام دینی است .

۴- **روشنفکر:** در معنای عام کسی است که صاحب رای و نظر و آشنا با علوم جدید باشد در معنای خاص ترجمه Intellectual به معنی عقل مدرن اومانیستی است که در عصر قاجار به منور الفکر ترجمه شد منور الفکران نماینده و مروج عقل اومانیستی و مخالف با تفکر و حیانی و دینی و سنتی محسوب می شود .

۵- **غربزدگی:** غرب گرایی شدید و تقلید کورکورانه از ایده ها و اندیشه های غربی و اقدام در جهت ایجاد وابستگی به غرب که نه تنها در جنبه ی فکری بلکه در سبک زندگی روزمره و آداب اجتماعی نیز کاملا مطابق با شیوه های زندگی غربی باشد .

۶- **غربگرایی:** رویکرد آگاهانه به غرب برای اقتباس علوم و فنون آن جهت مقابله با خطر غرب که عمدتا توسط زمامداران کشور های شرقی و برای مبارزه با هجوم غرب صورت گرفت .

۳-۱ سوالات تحقیق

۱: کدامیک از عوامل ساختاری جامعه ی ایران در ناکامی امر اصلاحات در ایران عصر

ناصری تاثیر بیشتری داشت ؟

ب) سوالات فرعی :

- ۱: چرا تلاش دولتمردان ایران عصر ناصری علیرغم توانمندیهای شخصی که دارا بودند در حوزه ی اصلاحات غالبا با شکست مواجه شد؟
- ۲- آیا زیرساخت اقتصادی , اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ایران در عصر ناصری آمادگی اجرای برنامه های اصلاحات را داشت ؟
- ۳- چرا اصلاحات در زمان ناصرالدین شاه از جنبه ی نظامی و محدوده ی تاریخی خود خارج شده و سمت و سوی دیگری به خود می گیرد ؟
- ۴- دولت روس چه نقشی در روند اصلاحات در ایران عصر ناصری داشت ؟
- ۵- دولت انگلیس چه نقشی در روند اصلاحات در ایران عصر ناصری داشت ؟

۱-۴ فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی : اصلاحات در ایران عصر ناصری به علت ناسازگاری با زیر ساخت جامعه ایران به لحاظ اجتماعی , فرهنگی , اقتصادی و سیاسی ناکام ماند .

فرضیه جانشین : بین عامل خارجی و ناکامی اصلاحات در ایران عصر ناصری ارتباط چندانی وجود ندارد؟

۱-۵ پیشینه موضوع و سوابق مربوط

تاکنون در خصوص موضوع انتخابی پژوهشی همه جانبه صورت نگرفته به صورت مقالات به برخی از جوانب موضوع اشاره کرده اند و یا در خلال تحقیقات جدید به این مهم به صورت گذرا پرداخته اند در حالیکه به منظور شناخت هر چه دقیق تر تاریخ تحولات این دوره و اشاره همه جانبه و دقیق و مجزا به موضوع مورد بحث ضرورتی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد به خصوص از منظر جامعه شناسی تاریخی که این رساله درصدد آن است به آن بپردازد .

۶-۱ ضرورت ها و اهداف تحقیق

براساس آنچه در تعریف مسئله بیان شد روند اصلاحات در عصر قاجار با شروع جنگهای ایران و روس آغاز گشته و یکی از دغدغه های مهم دولتمردان عصر ناصری به شمار می رفت و در نهایت با ناکامی مواجه گشت و مسیر خود را در انقلاب مشروطه ادامه داد به دلیل اهمیت این موضوع ضرورت دارد تا با نگرشی علمی و بهره مندی از علم جامعه شناسی به آسیب شناسی آن به طور جداگانه و مستقل پرداخته می شود .

۷-۱ اهداف تحقیق

- ۱- شناخت بنیانی از زیرساخت جامعه ایران به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۲- یافتن علل ناکامی های برنامه ی اصلاحات
- ۳- آشنایی با روند اصلاحات و پیامدهای آن دو در این دوره
- ۴- بهره گیری از تجارب اصلاحات عصر ناصری در حال حاضر

۸-۱ روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات

با توجه به موضوع مورد پژوهش روش تحقیق در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل داده های تاریخی با استناد به منابع و مآخذ اول و بررسی تحقیقات جدید تاریخی خصوصا جامعه شناسی تاریخی است .

۹-۱ روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از روش کتابخانه ای و بررسی منابع و مآخذ و با عنایت به اسناد استفاده می شود .

۱-۱۰ سازماندهی تحقیق

در فصل اول تحت عنوان مقدمه و کلیات طرح تحقیق با بیان مسئله به طرح سوالات اصلی و فرعی می پرداخته می شود و سپس ضمن بیان فرضیه اصلی و فرضیه جانشین با نقد منابع مورد استفاده در پژوهش به پایان می رسد.

در فصل دوم ضمن تعریف واژه ی اصلاح و مروری بر تاریخچه ی اصلاحات در اروپا با بررسی تاریخچه ی اصلاحات در ایران و علل آغاز آن به اصلاحات عباس میرزا ولیعهد قاجار و وزرای او قائم مقامین و نیز بررسی موانع و مشکلات پیش روی آنها پرداخته شده است.

در فصل سوم با بررسی اوضاع ایران در اواخر دوره ی محمد شاه و آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در بخشهای جداگانه اصلاحات انجام شده در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و نظامی در این دوره ی پنجاه ساله ذکر شده است.

در فصل چهارم در سه بخش جداگانه ضمن شرح زندگی اصلاحگران زمان ناصرالدین شاه، امیرکبیر، سپهسالار و امین الدوله به بررسی اصلاحات آنان و نیز بیان ویژگی های این اقدامات می پردازد، بخصوص در بخش چهارم با بررسی وجوه مشترک و تفاوت های اصلاحات انجام شده به نقش روشنفکران در این زمان و تاثیر آنان در اصلاحات انجام شده اشاره می شود.

در فصل پنجم نقش قدرتهای خارجی (انگلیس و روسیه) در ناکامی اصلاحات ایران بررسی شده است و در فصل ششم به آسیب شناسی اصلاحات انجام گرفته از منظر جامعه شناسی پرداخته شده است و در آخر با یک نتیجه گیری کلی مبحث به اتمام رسیده است.

۱-۱۱ نقد منبع

تاریخ نگاری در دوره ناصرالدین شاه نسبت به دوره ی قبل از خود از رونق بیشتری برخوردار بوده و توجه به آن باعث بوجود آمدن آثار بیشتری گردیده است اما با این وجود هنوز تفاوت چندانی (در نوع نگارش و محتوای متون) با دیگر دوره ها ندارد و منابع رسمی

در این دوره بیشتر آنچه را که مدنظر طبقه ی حاکمه بوده است بیان می دارد و نه همه ی واقعیات را بنابراین در بررسی تاریخ این دوره آثار را باید با دیدگاه منتقدانه نگریست و بخصوص از آثار غیر رسمی چون خاطرات شخصی، سفرنامه ها و اسناد نیز استفاده نمود.

الف: منابع اصلی:

آثار محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه) و بخصوص چهار کتاب وی تاریخ منتظم ناصری، مرآت البلدان ناصری، المآثر والآثار و خوابنامه (خلسه) از منابع اصلی بررسی تاریخ ناصری به حساب می آیند البته همه ی این آثار متعلق به وی نیست چرا که وی در رأس گروهی از نویسندگان و مترجمان قرار داشته است و آنها تحت نظارت اعتمادالسلطنه به تدوین و تألیف کتب می پرداخته اند و در نهایت به نام او منتشر گردیده است.

المآثر و الاثار: در این کتاب شرح چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه آمده است علاوه بر اشاره به رویدادهای تاریخی این دوره به معرفی بزرگان و مشاهیر علما و دانشمندان نیز پرداخته شده است همچنین آثار تمدنی که در دوره ی ناصرالدین شاه بوجود آمده یکایک شرح می دهد بنابراین برای شناخت دوره ی ناصری از کتابهای ارزشمند است.

تاریخ منتظم ناصری: این کتاب تاریخی عمومی است و در سه جلد رویدادهای عالم را از زمان هجرت تا سال ۱۳۰۰ ه.ق بر اساس سنوات تاریخی و بطور کلی می نگارد و جلد سوم آن با دوره ی قاجار و بخصوص عصر ناصری مرتبط است.

مرآت البلدان ناصری: کتابی است درباره جغرافیای تاریخی شهرها و روستاها که از لابلاهی آن می توان اطلاعات تاریخی مهمی راجع به دوره ی ناصری بدست آورد.

خوابنامه یا خلسه: در این کتاب وی کلیه ی صدر اعظم های ایران از حاج ابراهیم خان کلانتر تا امین السلطان به محاکمه خیالی کشانده است نثر نویسنده در این کتاب از اغراض شخصی او خالی نبوده اما اطلاعات مهمی را نیز در این اثر نقل قول نموده است.

حقایق الاخبار ناصری: تألیف میرزا جعفر خان خورموجی نویسنده با انتخاب این نام در تلاش بوده تا اثر خود را حاوی حقایق تاریخی معرفی کند نثر این کتاب نیز مانند دیگر آثار درباری نیامده است مانند واقعت قتل امیرکبیر در این اثر آورده شده و از این حیث دارای اهمیت است.

روضه الصفای ناصری: از رضا قلی خان هدایت در ده جلد که ادامه روضه الصفای میر خوانده است تاریخی عمومی است در معرفی کشورها و تمدنهای بیگانه و شرح رویدادهای بین المللی این کتاب به سبک و سیاق قدیمی نوشته شده و از مزایای تاریخ نگاری جدید بی بهره است

ناسخ التواریخ: از میرزا محمد تقی خان لسان الملک سپهر در چهار جلد نشر این کتاب نیز مانند روضه الصفا از تحلیل و بررسی علل رویدادها خالی است اما با توجه به این که براساس خاطرات و مشاهدات نویسنده تدوین یافته است از منابع مهم و قابل استناد در این دوره می باشد به شرط اینکه نثر درباری و رسمی آن که درپاره ای موارد به جهت خوش آیند طبقه ی حاکمه به تحریف تاریخ نیز انجامیده است با احتیاط بررسی و نقل گردد.

منابع فرعی: خاطرات و سفرنامه های مربوط به این دوره که تعداد آنان نیز قابل توجه است از اهمیت زیادی برای بررسی اوضاع این عصر برخوردار است و هر چند معایب یک تاریخ رسمی و درباری را ندارد اما نظرات و منافع شخصی نگارندگان آن را نیز نباید از نظر دور داشت.

از خاطرات اعتمادالسلطنه، عباس میرزا ملک آرا و خاطرات امین الدوله برای بررسی اوضاع ای دوره بیش از آثار دیگر استفاده شده است که به بررسی آنان می پردازیم. خاطرات اعتمادالسلطنه: حاوی رویدادهای روزانه دربار کشور است که نویسنده به صورت مخفی آن را نگاشته است و به همین علت در خصوص شناخت دربار و شاه و نیز آشنایی با وقایع داخلی و خارجی ناصری حائز اهمیت است.

خاطرات عباس میرزا ملک آرا: وی برادر ناصرالدین شاه بوده که بدلیل احساس خطر ناصرالدین شاه از وی مورد بی مهری او قرار گرفته است در اثر خود نابسامانی های دستگاه حکومتی، مفاسد ادارات و رشوه خواری ولایات را که مبتنی بر مشاهدات شخصی خود بوده است را به رشته ی تحریر در آورده است دید انتقادی آن نسبت به این دوره به آن اهمیت بخشیده است.

خاطرات سیاسی امین الدوله: امین الدوله از رجال سیاسی و تحصیلکرده ی دربار ناصری بوده که به اصلاح طلبی و نشر اندیشه های نو معروف بوده است کتاب خاطرات وی که

بیشتر تاریخی سیاسی است برای شناخت اوضاع دوره ی ناصری و مظفری حائز اهمیت است بخصوص با توجه به نزدیکی این سیاست مدار نسبت به شاه برای شناختن روحیات ناصرالدین شاه و ویژگیهای او از اهمیت زیادی برخوردار است.

سفرنامه ها و آثار خارجیانی که به ایران سفر کرده اند نیز از منابع فرعی این دوره به حساب می آید سفرنامه های پولاک پزشک ناصرالدین شاه، سفرنامه کنت دو گوینو، خاطرات لیدی شیل و... از جمله ی آثاری هستند که در این پژوهش به آنان استناد شده است.

پژوهشهای جدید: از آثار جدیدی که در مورد تاریخ ناصری به رشته ی تحریر در آمده است کتب فریدون آدمیت بخصوص امیر کبیر و ایران و نیز اندیشه ی ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار استفاده ی فراوان شده است و نیز از کتاب میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف عباس اقبال آشتیانی، با توجه به محدودیت دست رسی به برخی کتب و اسناد مربوط به دوره ی ناصری کتب ذکر شده از مآخذ مهم در این پژوهش به حساب می آیند.

از مآخذ مرتبط با جامعه شناسی بخصوص از کتب محمد علی کاتوزیان و پرواند آبراهامیان و نیز از پایان نامه ی ارزشمند دوره ی دکتر استاد ارجمند جناب آقای دکتر صلاح تحت عنوان آسیب شناسی جنبش مشروطیت ایران بخصوص در فصل آخر استفاده های فراوان شده است.

فصل دوم

بررسی کلی تاریخچه اصلاحات در ایران
عصر قاجار تا دوره ناصری

۲- مفهوم و تاریخچه اصلاحات

کلمه اصلاح مصدر عربی و مفرد و واژه اصلاحات می باشد که در لغت نامه های فارسی و عربی معانی متعددی برای آن ذکر شده و به سرو سامان دادن، دوری از تباهی، سازش دادن و آشتی نمودن، رفع عیب و فساد چیزی و نیک و بهتر و استوار کردن، ضد فساد اشاره کرد.^۱ در تعریفی دیگر واژه اصلاحات ایجاد تغییرات سودمند به شیوه تکاملی و مسالمت گرا در جهت تصحیح خطاها و متوقف سازی سوءاستفاده ها، جلوگیری از وقوع بحرانهای اجتماعی و سیاسی است و به عبارت دیگر اصلاحات از دو عنصر سامان بخشی به نظم موجود در جهت نیل به وضع مطلوب و سازگاری با شرایط و مقتضیات زمان تشکیل یافته است.^۲

اصلاح در مقابل انقلاب (revolution) و در قیاس با آن به کار می رود و معادل رفرم (reform) می باشد. اصلاحات در ایران معاصر به دو گونه اصلاحات درون حکومتی و برون حکومتی تقسیم شده است. منظور از جریان اصلاح طلب در درون نظام آن دسته از جریانات اصلاح طلبانه است که از داخل حاکمیت قاجار برخاستند و شاه، صدراعظم، شاهزاده یا دیپلمات بودند یا آنکه منصب خارجی داشتند اما به هر حال جزئی از الیگارشی حاکم محسوب می شدند اصلاح طلبان این گروه با قبول شالوده نظام سیاسی تلاش می کردند در چارچوب نظام مستقر از ظرفیتهای موجود برای ایجاد اصلاحات در راستای سامان دادن به امور و دفع وضع و غلبه بر آنچه عقب ماندگی کشور را به دنبال داشت عمل نمایند. برخلاف جریان درون حکومتی اصلاحات که بیشتر جنبه سخت افزاری و خصوصاً اداری و نظامی داشت. اصلاحات برون حکومتی بیشتر نرم افزاری و خصوصاً سیاسی، فکری بود. در دوره قاجار عباس میرزا، قائم مقام، امیرکبیر، سپهسالار از اصلاحگرانی هستند که تلاشهای اصلاحگرانه ی آنها را می توان در چارچوب اصلاحات درون حکومتی قرار داد. رفورماسیون نام یک جنبش مذهبی است که ریشه اولیه ی آن در نقد نگرش کلیسای

۱. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، شماره ۴۲ (ش حرف الف ۹) تهران چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۸ ص ۲۷۲۵

۲. محمد رضا دهشیری، (آسیب شناسی اصلاحات در ایران) کتاب نقد، ش ۱۶ پاییز ۱۳۷۹

کاتولیک در قرون وسطی ظاهر شد و در نهایت در قالب «پروتستانیزم» توانست به تأسیس گونه ای دیگر از کلیسای مسیحی در غرب منجر شود. این جنبش اگرچه سرآغازی مذهبی داشت لیکن به سرعت گسترش یافته و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجب تأثیرات شگرفی شد. هرچند رفورماسیون با نام لوتر (Luther) شناخته می شود، ولی سهم اندیشه گران پیش از وی را نباید نادیده انگاشت. هوس (Huss) و کالت (Colet) از جمله محققانی هستند که لوتر ایده های خود را از اندیشه آنان گرفته است. رفورماسیون به مثابه ی یک جنبش در بستری رشد کرد که از نظر فلسفی به «اومانیزم» (Humanism) و اصالت بخشی به انسان معروف است. در واقع نگرش اومانیزستی از نظر زمانی بر جنبش رفورماسیون مقدم است. ابزار روش و اصولی که نگرش اومانیزستی فراهم آورد زمینه ساز پرسشهای بنیادی شد که کلیسای کاتولیک توان ارائه پاسخ مناسب به آن را نداشت و به این ترتیب رفورمیست ها امکان ظهور یافتند و از این جهت رفورمیسم تلاشی بود که توانست خواسته های اومانیزستی انسان قرن شانزدهم را در چارچوب مذهبی تازه ای پاسخ دهد. مارتین لوتر استاد برجسته الهیات در دانشگاه ویتنبرگ (Witten berg) نخستین بار با طرح دیدگاه های انتقادی خود باورهای کلیسای کاتولیک خشم پاپ را علیه خود برانگیخت لوتر با ارائه پاسخ هایی در مناظره های خود در گسترش نگرش رفورمیستی مؤثر بود. ایده های وی به صورت متون مرجعی در آمد که در میان اقشار مختلف جامعه بسط یافت جنبش رفورمیستی در آلمان منجر به شکل گیری کلیسای تازه ای معروف به کلیسای اصلاحی شد که در زمان حاکمیت بینش رفورمیستی اقدام به بازنگری عقاید و باورها و اصول عملی مسیحیت نمودند و شکل تازه ای از روابط بین مردم و خدا و اعمال عبادی را ارائه کردند. این جریان به تدریج از زوریخ و استراسبورگ آغاز و سپس تمام جنوب آلمان فرانسه، لهستان، انگلستان و مجارستان را فرا گرفت. لوتریانیسم به عنوان یک مکتب فکری تا قبل از ۱۵۲۵ م یک جنبش تمام عیار نبود و برای تبدیل شدن به جنبش محتاج زمان بود. مرگ لوتر نه تنها نقطه پایانی برای تعالی جنبش رفورمیستی نبود بلکه موتور محرکه ای برای بسط و تقویت آن شد. آلمان، سوئیس، انگلستان و بعداً کل اروپا از افکار لوتر به نحوی متأثر شدند.^۱ با گسترش

^۱. تی، باتومور، اء مراد، ح، الگار، ع، احد(رفورم در گفتنمان سیاسی غرب و اسلام) ترجمه اصغر افتخاری همان صص ۲۴۵- ۲۴۳

مذهب پروتستان و آراء لوتر افرادی مانند «الوریخ زوینگلی» سوئیسی و «ژان کالون» فرانسوی از جنبش وی پیروی کرده و آن را گسترش دادند بخصوص اعلام استقلال مذهبی انگلستان بر دامنه و گستردگی پروتستانیزم و کالونیسم افزود و در واقع مقاومت در برابر کلیسای روم در سال ۱۵۳۶م با انتشار افکار پرهیاهوی کالون درباره دیانت مسیح اوج تازه ای یافت و در نیمه قرن شانزدهم با رواج مذهب پروتستان به تدریج از قدرت و نفوذ پاپها در دنیای مسیحیت کاسته شد و پاپها تنها رهبری کاتولیکهای جهان را برای خود حفظ کردند.^۲

ایران مقارن با تحولات رنسانس توسط حکومت صفوی اداره می شد در دوره ی صفوی وبخصوص در زمان شاعباس اول کشورهای های اروپایی با علایق سیاسی ، اقتصادی خواهان ایجاد رابطه با ایران بودند در این زمان دولت عثمانی به عنوان دشمنی مشترک که هم مرزهای ایران وهم اروپا را تهدید می کرد عاملی جهت تعمیق روابط دوستانه بشمار می آمد و از طرف دیگر حضور استعماری پرتغال در خلیج فارس ایران را نیازمند استفاده از تکنولوژی جدید نظامی اروپا می نمود و چون علت بنیادی آشنایی ودوستی با غرب در این زمان نیاز به جنگ افزار و دانش جنگی غرب برای رویا رویی با عثمانی بود ، خود به خود نخستین کوششها در زمینه آموختن شیوه ه ی کار با تفنگک وسلاحهای گرم ساخت اروپا بود استفاده از مستشاران نظامی غربی در زمان شاه عباس اول که آمدن برادران شرلی به ایران را سبب شد نمونه ای از تلاشهای شاهان صفوی در این مورد است شاه عباس اول در مواردی ویژه به نوسازی ارتش علاقه نشان می داد ، و شاه صفی جانشین او نیز رویه ی وی را ادامه داد این نوع اصلاحات نظامی برپایه ی یک برنامه ریزی بنیادی استوار نبود، و استفاده ی ایرانیان از دیگر ابعاد دانش غربی بسیار محدود بود ، در دربار پادشاهان صفوی گهگاه نسبت به دانش و کارشناسی هنرهای گوناگون و مسائلی غیر از جنگ افزار و امور نظامی اروپا دلبستگی هایی نشان داده می شد ، ولی این دلبستگی ها در زمینه ی عمل بیشتر در چارچوب هنرهای زیوری غرب مانند نقاشی، گلدوزی ، موسیقی ، آواز خوانی ودر بهترین حالت مینا کاری ، ساعت سازی ، الماس تراشی ، وزرگری خلاصه می شد. البته این بدان معنا نبود که دیگر دانش ها و کارشناسی هایی که برخی از آنها در پیشرفت وبهتر ساختن جوامع نقش بنیادی داشته وجهان غرب از آن بهره مند بود یکسره از حوضه ی رویکرد فرمانروایان

صفوی بیرون بوده است توجه به صنعت چاپ و علم نجوم و استفاده از برخی دستاوردهای غربی در زمینه ی پزشکی نمونه هایی از این دست است . طرح نوین آب رسانی در اصفهان برای جابه جایی آب میان کوهرننگ و زاینده رود از تلاشهای اصلاحگرایانه ی شاه سلیمان صفوی است که البته با مخالفت درباریان به سرانجامی نرسید و در نهایت تلاشهای اصلاحگرایانه ی شاهان صفوی را باید زود گذر ، ناپیگیر و ناپایدار دانست که به هیچ روی نمی توانست گامی سودمند در راه نوسازی جامعه ایران به شمار آید .

با سقوط دولت صفوی و تسلط افغانها اوضاع ایران رو به زوال رفت آیند و روند دو حکومت افشار و زند و جنگ های پی در پی ثبات سیاسی جامعه ایران را متزلزل نمود . جنگهای طولانی نادر شاه افشار و سپس رقابت برای جانشینی وی نیز با وجود تنشهای موجود برای روی کار آمدن سلسله زند و سپس جنگهای جانشینی کریم خان سبب شد که ثبات ۲۰ ساله عهد کریم خان نیز نتواند آب رفته را به جوی باز گرداند کما اینکه کریم خان نتوانست تمام مناطق ایران را به زیر سلطه زندیه در آورد و تنها آقامحمد خان قاجار بود که با به پا کردن جنگها و خونریزی های متعدد توانست تمامی ایران را تحت تابعیت یک حکومت واحد در آورد . حکومت کوتاه مدت وی مجال رویارویی با وقایع و رویدادهایی که در سطح بین المللی رخ می داد را به فتحعلی شاه قاجار داد. ایران در آغاز قرن نوزدهم به دلایلی در کانون توجه دول اروپایی قرار گرفت خواه نا خواه وارد گردونه ی رقابت های بین المللی شد. در نیمه نخست قرن نوزدهم حوادثی در اروپا روی داد که اثرات آن از حدود این قاره خارج شد و به سایر نقاط عالم رسید حوادثی چون انقلاب فرانسه قدرتمند شدن روسیه که سعی در اجرای اهداف پطر کبیر داشت و انگلستان که در تلاش بود در میان این قدرتها همچنان منافع خود را حفظ نماید. آغاز قرن نوزدهم دوران جدید روابط ایران با غرب بود که همزمان با استقرار سلطنت قاجار در ایران، غرب برخوردار از توان نظامی ، صنعتی، سیاسی، فرهنگی، آرام اما پیوسته به مرزهای ایران نزدیک می شد این امر موجب پریشانی و نگرانی رهبران ایران گردید آنان با پدیده هایی روبرو شدند که در مورد آن اطلاع چندانی نداشتند. ساختار اجتماعی در ایران این عصر همچون گذشته عبارت بود از : خانواده، ایل، صاحب اختیار و در رأس آن شاه و سپس روحانیون مذهبی و خانواده های

وابسته به این دو طیف که در رأس قدرت بودند^۱ و شاید به همین دلیل بود که دایره معلومات شاه از دانسته های مورد نیاز رهبر ایل تجاوز نمی کرد حکومت بر جامعه ای پریشان و در مانده که در اندیشه ی توسعه نبود باعث شد که شاه و درباریان در مقابله با غرب احساس ناچاری کنند. دست یافتن به دریای آزاد از طریق قفقازیه و ترکستان غربی و یا از طریق آسیای صغیر از اهداف دولت جدید روسیه بود و دولتمردان این کشور این اصل سیاسی را هیچ گاه از نظر دور نمی کردند. چشم طمع روسیه به سرزمینهای حاصلخیز قفقاز مرکزی و جنوبی که همیشه جزئی از ایران بود، مقدمه تعرض این کشور به اراضی ایران شد که در زمان آقامحمدخان قاجار باعث لشکر کشی وی به قفقازیه و تسخیر تفلیس شد با مرگ وی و جانشینی فتحعلی شاه دور بعدی حمله روسیه به مرزهای ایران آغاز شد و شاه قاجار مجبور شد ولیعهد خود، عباس میرزا را که به رشادت و جنگجویی و هنر نظامی از سایرین ممتاز بود به فرماندهی سپاه مأمور قفقازیه و آذربایجان منصوب کند.^۲

۲-۲ اصلاحات عباس میرزا

یک دهه جنگ با امپراطوری نیمه اروپایی روسیه مجموعه بیش از دو قرن پیشرفت و ترقی اروپا پس از رنسانس و انقلاب صنعتی را در مقابل چند قرن رکود و ایستایی جامعه ایران قرار دارد.^۳ و فتحعلی شاه ناچار در صدد جستجوی متحدی قدرتمند برآمد در این زمان فتح مصر و ایتالیا به وسیله ناپلئون و فتوحات او در اروپای مرکزی وی را متوجه امپراطوری فرانسه نمود و البته ناپلئون نیز با توجه به اهمیتی که برای فتح هندوستان «شاهرگ حیاتی انگلیس» قائل بود مشتاق برقراری روابط دوستانه با ایران بود. انعقاد عهدنامه فین کنشتاین ۱۸۰۷ م نشان دهنده تأثیر علایق نظامی ایران در روابط خارجی بود. تفاوت فاحشی که به لحاظ تکنیک نظامی و ساختار جنگ میان ارتش سنتی و ایلیاتی ایران و ارتش مدرن روسیه بوجود آمده بود به سادگی دولتمردان ایران را به فاصله ی ایجاد شده طی چند قرن آشنا

^۱. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ ایران عصر قاجار، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹ ص ۲۱

^۲. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، زریاب، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۸۵

^۳. صادق زیبا کلام، سنت و مدرنیته، تهران، روزنه، ۱۳۷۷ ج ۱ ص ۲۳۵

کرد و دستگاه کوچک ولیعهد به دور از دربار غافل تهران پیشگام انجام اصلاحات در ایران شد.

۲-۲-۱ آغاز اصلاح در ارتش:

ابتدا اصلاحات سپاه بنا بر مقتضیات زمان مورد توجه قرار گرفت. ترکیب قشون ایران در عهد قاجار همان ترکیب ایل و طایفه ای عصر صفوی بود، ساختار نظامی ارتش ایران در دوره قاجاریه بر سه بخش استوار بود: (۱) پیاده نظام (۲) نیروی ایلیاتی که عمدتاً سواره نظام بودند. (۳) توپخانه که مهمترین رکن ارتش بود و شکل سربازگیری آن به صورت بنیچه اعمال می شد. بر اساس این نظام هر روستا بخش یا طایفه متعهد بود که متناسب با برآورد درآمد خود سرباز مورد نیاز پیاده نظام را تأمین کند. سلسله مراتب نظامی در پیاده نظام از کمترین مقام به بالاترین مقام عبارت بود. از سرباز، جوخه، وکیل، طپال باشی، مؤذن باشی، شیپورچی باشی، مفتش، نایب، بیراق دار، آجودان، سلطان، یاور دوم، یاور اول «سرگرد، ماژور» سرهنگ (کلنل) سرتیب سوم، سرتیب دوم، سرتیب اول، (میر پنج).^۱

عقد قرارداد فین کنشتاین مقدمات آمدن هیأت نظامی ناپلئون به ایران را فراهم آورد از مواد این قرارداد تعلیم سپاهیان ایران به شیوه نظام اروپایی بود برای اجرای این ماده مدتی پس از عقد قرارداد ناپلئون سوار «گاردان» را به ریاست یک هیئت هفتاد نفری به ایران فرستاد و اعضای هیئت بلافاصله بعد از رسیدن به ایران کار تعلیم و آموزش به سپاه را شروع کردند. مأموریت این عده علاوه بر آشنا کردن سپاه ایران به اصول جدید نظام اروپایی نقشه برداری از راهها و معابر بنادر ایران بود تا مقدمات حمله به روسیه و هندوستان را از این طریق فراهم آوردند.^۲ ناپلئون سعی کرد اعضای هیئت اعزامی را از میان کسانی که تا حدی از اوضاع و احوال ایران اطلاع داشتند انتخاب کند. و در این هیأت تره زل و برنارد؛ مهندس جغرافیا و مأمور نقشه برداری، فابویه و ربول متخصص توپخانه، لامی وین تان افسر صنف مهندس وردیه افسر صنف پیاده نظام بودند و علاوه بر این اشخاص سه نفر از شاگردان مدرسه السنه شرقیه برای مترجمی و یک نفر طبیب و سه نفر منشی و دو نفر مبلغ مذهبی نیز

۱. جلال فرهمند، (قشون دولت علیه ایران) فصلنامه معاصر سال ۹ شماره ۳۶۳۶ ص ۲۹۵

۲. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۷۶ ج ۳ ص ۱ ص ۶۵

همراه گاردان بودند.^۱ نوشته های ژوبر، فرستاده ناپلئون که در ۱۲۲۱ ه، ق ۱۸۰۶م در اردوگاه جنگ با عباس میرزا ملاقات کرده بیانگر دقت نظر ولیعهد در جستجوی علل بنیادی پیشرفت اروپا بود که از عقب ماندن ایران از کاروان تمدن نگران بوده، «عباس میرزا به ژوبر می گوید: مردم به کارهای من افتخار می کنند ولی چون من، از ضعیفی من بی خبرند چه کرده ام که قدر و قیمت جنگجویان مغرب زمین را داشته باشم؟ یا چه شهری را تسخیر کرده ام و چه انتقامی توانسته ام که از تاراج ایلات خود بکشم؟... از شهرت فتوحات قشون فرانسه دانستم که رشادت قشون روسیه در برابر آنان هیچ است؟ مع الوصف تمام قوای مرا یک مشت اروپایی [روسی] سرگرم داشته مانع پیشرفت کار من می شوند نمی دانم این قدرتی که شما [اروپایی ها] را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و بکار بردن تمام قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شعب غوطه ور و به ندرت آتیه را در نظر می گیریم مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می تابد تأثیرات مفیدش در سر ما کمتر از سر شماست؟ یا خدای که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی کنم. اجنبی حرف بزن بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم.^۲ همانطور که اشاره شد عباس میرزا در انجام اصلاحات خود در آذربایجان تنها نبود و قتی سخن از اصلاحات ولیعهد می رود نباید کادر کوچک وی در رأس آن میرزا عیسی قائم مقام بزرگ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی را فراموش کرد. عباس میرزا از همان دوران طفولیت تحت تعلیم و مراقبت میرزا بزرگ قرار گرفت و بعدها با مشارکت وی به انجام اصلاحات عمدتاً نظامی خود همت گماشت با این حال وزیر به هیچ وجه مایل نبود نامی از وی برده شود. «موریه ضمن اشاره به این مطلب در مورد او می گوید: میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به نظر بزرگترین مردی است که من در ایران دیده ام وقتی من از جانب وزیر مختار برای او هدیه ای بردم به من گفت که آن را به نام خودم تقدیم ولیعهد کنم - زیرا که در این مملکت عادت بر این است که دست خالی به دیدن

^۱ شمیم، ص ۶۴

^۲ عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران به دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۷ ص

بزرگی نروند من در این باب اصرار کردم زیرا که من در قدم اول به هیچ وجه احتیاج به چنین دیدن در خود حس نمی کردم و در این ایالت مسافری بیش نبودم و با دستگاه ولیعهد سروکاری نداشتم من این گذشت میرزا بزرگ را به آن علت که نظیر آن در میان هموطنان او کم است مخصوصاً ذکر می کنم. وزیر مذکور از اصلاحاتی که عباس میرزا در آذربایجان وارد کرده بسیار صحبت داشت و هیچ وقت از رأی یا شرکت خود در این راه با اینکه بسیاری از آنها از اوست سخنی نمی گفت بلکه پیوسته همه را به کفایت و کاردانی عباس میرزا منصوب می داشت.^۱ میرزا بزرگ در تبریز اسماً قائم مقام میرزا شفیع صدر اعظم بود ولی به این دلیل که تبریز در آن زمان مرکز واقعی سیاست ایران به شمار می رفت بار مسئولیت بسیاری از مسائل سیاسی و نظامی ایران در آن دوره برعهده وی بود. سپهر در ناسخ التواریخ در باب تلاشهای میرزا بزرگ در پیشبرد امر اصلاحات به همراه نائب السلطنه می نویسد: «به آموزگاری فرستادگان ناپلئون، چنانکه مذکور شد، در ممالک ایران سپاهیان را نظمی جدید برای جدال نهادند و حکم دادند که یک نیمه لشکر به قانون مردم فرنگ بیان آهنگ جنگ کنند و بیشتر در کارحرب، توپ و تفنگ به کار برند. نخستین در آذربایجان نائب السلطنه عباس میرزا بدین مطلب رنج و تعب فراوان برد و به نیروی بازوی سلطنت چنین تدبیر میرزا بزرگ قائم مقام این مقصود بر وفق بر آورد.»^۲

مناقشات سیاسی بین قدرت های بزرگ بین المللی جریان اصلاحات ولیعهد و وزیرش در ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. پس از انعقاد پیمان تیلست شاه ایران که برای مقابله با روس به حمایت فرانسه امیدوار بود از آنان دلسرد شده و به انگلیسیها روی آورد در این میان انگلیسیها که تهدید منافعشان در هندوستان مترصد چنین فرصتی بودند با فرستادن مأموران سیاسی خود تعهدات فرانسویان در ایران برای اصلاح قشون را به عهده گرفتند و سرانجام ژنرال گاردان و هیئت فرانسوی ایران را ترک گفتند اما در هر حال هسته مرکزی سپاه ایران به دست صاحب منصبان فرانسوی ایجاد شد. بدلایلی عملکرد انگلیسی ها موفقی تر از هیئت فرانسوی بود از جمله اینکه فرانسویها اطلاعات جامع و دقیقی از ایران نداشتند و ایرانیان نیز

۱. عباس اقبال آشتیانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران، توس، ۱۳۵۵، ج ۲ ص ۲۰۸

۲. محمد تقی سپهر [لسان الملک] ناسخ التواریخ به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، طهوری ۱۳۳۷، ج ۱۴ ص ۱۶۹